

## تأثیر قصه‌گویی و داستان‌گویی به سبک ادبی (داستانهای کلیده و دمنه) بر پرورش خلاقیت و کاهش خشم کودکان

سارا چالاک<sup>۱</sup>

ایوب مرادی<sup>۲</sup>

محمد خالدیان<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف تأثیر قصه‌گویی و داستان‌گویی به سبک ادبی (داستانهای کلیده و دمنه) بر پرورش خلاقیت و کاهش خشم کودکان انجام گرفت. جامعه پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه‌ی دوم و سوم ابتدایی شهرستان قروه در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بود. حجم نمونه ابتدا تعداد ۶۰ نفر از دانش‌آموزان بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد، سپس بر اساس نمرات پرسشنامه تعداد ۲۲ نفر از این افراد که در پرسشنامه خلاقیت پایینترین نمرات و در پرسشنامه خشم بالاترین نمرات را گرفتند انتخاب شدند و بصورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه تحت تأثیر متغیر مستقل قصه‌گویی و داستان‌گویی به سبک ادبی (داستانهای کلیده و دمنه) به سبک ادبی قرار گرفتند اما گروه کنترل تحت هیچگونه مداخله‌ای قرار نگرفتند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه خلاقیت شیفر و خشم چند بعدی پرواز و خالدیان استفاده شد. این پژوهش آزمایشی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل است. یافته‌های به دست آمده نشان داد که میانگین نمرات خلاقیت در پس‌آزمون گروه آزمایش به طور معناداری از میانگین نمرات پس‌آزمون در گروه کنترل بالاتر است همچنین میانگین نمرات خشم در پس‌آزمون گروه آزمایش به طور معناداری از میانگین نمرات پس‌آزمون در گروه کنترل پایین‌تر است. نتیجه‌گیری می‌شود که قصه‌گویی و داستان‌گویی به سبک ادبی (داستانهای کلیده و دمنه) موجب افزایش و پرورش خلاقیت و کاهش و کنترل خشم می‌شود.

واژه‌های کلیدی: قصه‌گویی، داستان‌گویی، سبک ادبی، کلیده و دمنه، خلاقیت، خشم.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Sara.chalakh60@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. مربی گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

## مقدمه

دوران کودکی نقشی حساس و تعیین کننده در زندگی انسان دارد. توجه به این دوران تا آنجاست که اولاً دوران کودکی را روانشناسان و صاحب نظران تعلیم و تربیت غالباً به عنوان برجسته ترین مرحله در تکوین شخصیت انسان دانسته اند؛ و دوم اینکه پژوهشگران، وجود تعارضات، اختلالات و نابسامانی های روانی در این سنین را از عوامل اساسی در بروز مشکلات در سراسر زندگی فرد میدانند (دادستان، ۱۳۹۳). دوران کودکی سال های مناسبی برای تشخیص مشکلات کودکان، مداخله به هنگام و پیش گیری از بروز مشکلات عاطفی، اجتماعی و تحصیلی آنان در آینده است. در واقع مداخله به هنگام و اصلاح رفتارهای ناسازگار کودک در این دوره حساس، موجب افزایش مهارت های اجتماعی و محبوبیت نزد همسالان و بزرگسالان می شود و کودک را برای پذیرش مسئولیت های آتی آماده می سازد (نصیر زاده و روشن، ۱۳۸۹). تمدن بشری مرهون اندیشه خلاق انسان بوده است و دوام آن بدون بهره گیری از خلاقیت، که عالی ترین عملکرد ذهن آدمی قلمداد می شود، غیر ممکن است. در وضعیت کنونی خلاقیت نه تنها یک ضرورت، بلکه شرطی برای بقا به حساب می آید. بنابراین لازم است نظام آموزشی به تربیت و پرورش افرادی تأکید کند که به حل خلاق مسائل پیش بینی ناپذیر قادر باشند (رادبخش و همکاران، ۱۳۹۲).

خلاقیت یکی از عوامل مهم در نوآوری های علمی و فناورانه بشر می باشد، و مطالعات متعدد نشان می دهد که مرکز ثقل حرکات نوین در آینده خلاقیت و میزان بهره گیری از ذهن ها و شخصیت های خلاق در حوزه های مختلف علمی، پژوهشی، فناورانه و بهداشتی است (پیر خاکی و همکاران، ۱۳۸۸). هر کودک با خلاقیت های خلاقانه متولد می شود اما اگر این خلاقیت پرورش داده نشود و برانگیخته نشود فروکش خواهد نمود. کودکان دبستانی اغلب بطور طبیعی کنجکاوند و بسیاری از مهارت های خود را از طریق بازی، تجربیات کودکانه، جستجو ها و پرس و جو از دیگران بدست می آورند، خلاقیت یک فرآیند طبیعی انسانی است و زمانی رخ می دهد که افراد کنجکاو و برانگیخته شوند (سورتیچی اوکرکایی و رستگارپور، ۱۳۹۱). میل به خلاق بودن در تمام طول تاریخ و در تمام جوامع بشری به چشم می خورد. خلق اسطوره ها نمایانگر این میل است (دافی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱)، و بدون تردید یکی از مهم ترین خصوصیات انسانه قدرت آفرینندگی و خلاقیت است (جمالی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹). در واقع خلاقیت یک فرآیند چند بعدی است که به تاثیر متقابل بین ارگانیسم و محیط گفته می شود و نتایج آن به ظهور پدیده های جدید و بی نظیر می انجامد (سارسانی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). بر اساس دیدگاه شناختی اجتماعی خلاقیت آموزش پذیر است و افراد خلاق از عامل های اجتماعی و محیطی پیرامون خود تاثیر می پذیرند (البرزی، ۱۳۹۰). به عقیده تورنس همه افراد دارای استعداد خلاقیت هستند و میتوان این خلاقیت را با شیوه های مختلف پرورش داد، و خلاقیت را بعنوان یک فرآیند رشد یابنده در نظر گرفت (تورنس، ۲۰۱۳).

خشم هیجانی بهنجار با جنبه های انطباقی بسیار است. با وجود این، وقتی که تکرار، شدت و مدت آن افزونتر از جنبه های انطباقی باشد، ناکارآمد می گردد. خاستگاه و اشکال مختلف بیان خشم و نیز پیامدهای آن در پژوهشهای بنیادی و کاربردی روان شناختی جایگاه ویژه ای به خود اختصاص داده است. از دیدگاه روان شناسان تکاملی، خشم از تاریخچه تکامل ارگانیزم سرچشمه می گیرد و با طبیعت بشر در آمیخته است. این هیجان به بقای فرد و نوع بشر کمک کرده و در تسهیل پاسخهای سازگارانه،

1. Daffi  
2. Sarsani

به ویژه پاسخ‌های جنگ یا گریز به هنگام مواجه شدن با خطر، ایزاری بی‌بدیل به حساب می‌آید. با وجود این، «تکامل و انتخاب طبیعی هیچ‌گونه آینده‌نگری ندارد و الزاماً به معنی پیشرفت نیست». کارکرد مثبت و فواید خشم در، واکنش به بی‌عدالتی‌ها و جرأت‌ورزی غیرقابل انکار است و در عین حال، توان بالقوه آن برای تخریب و آسی‌بهای فردی و اجتماعی بسیار زیاد است. این هیجان متلاطم در همه شئون زندگی روزمره حاضر است و ویژگی مشترک بسیاری از اختلالاتی است که متخصصان سلامت روانی و خدمات اجتماعی در موقعیت‌های مختلف با آنها مواجه می‌شوند؛ خشم به طور مشترک در اختلال‌های متعدد شخصیت، بیماری‌های روان‌تنی، اختلال‌های سلوک، اسکیزوفرنیا، اختلال‌های دو قطبی خلق، اختلال‌های شناختی - مغزی، بدکارکردهای کنترل تکانه و شرایط مختلف ناشی از ضایعه مشاهده می‌شود (پرواز و همکاران، ۱۳۹۰). در حقیقت خشم یک هیجان، خصومت، یک نگرش و پرخاشگری یک رفتار است و بطور خلاصه سرانجام پرخاشگری به منزله وارد آوردن آسیب آشکار یا رفتارهای تنبیهی مستقیم به سایر افراد یا اشیاء تعریف می‌شود (درتاج و همکاران، ۱۳۸۸). سنت قصه‌گویی به اندازه عمر انسان قدمت دارد و یکی از ابزارهای مهم اصلاح رفتار و رشد و پرورش محسوب می‌شده، افلاطون از نخستین اندیشمندانی است که اهمیت قصه را برای کودکان را دریافت و بخشی از کتاب جمهوری را به بیان اهمیت قصه و داستان اختصاص داده است (همایی و همکاران، ۱۳۸۵). انسان نه تنها به قصه‌گویی علاقه مند است و از ساختن و شنیدن قصه‌ها لذت می‌برد، بلکه مهم‌تر از آن قصه پرداز و روایت‌ساز است که از اصلی‌ترین شیوه‌های اندیشیدن و اندیشه‌آدمی، تمام مردم از جمله دانشمندان، فیلسوفان، هنرمندان و محققان رشته‌های مختلف است (نازی دیزجی و همکاران، ۱۳۸۹). کودکان از طریق داستانها و افسانه‌ها با حقایق و تجربه‌های زندگی آشنا می‌شوند (شعاری نژاد، ۱۳۹۵). تأثیرپذیری از شخصیت‌های قصه، تقویت قدرت فهم و بیان، پرورش خلاقیت، آموزش زبان، و افزایش گنجینه واژگان کودکان نیز از دیگر تأثیرهای آموزشی و تربیتی داستان‌سرایی به شمار می‌روند (میرزایی، ۱۳۹۰). در واقع داستان خلاقیت گسترده‌ای است که با آن هر فردی می‌تواند عقاید به ظاهر نامعقول را بازبایی و آنها را جایگزین و استفاده‌سازنده از آنها را مطرح کند (دویودی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). به همین دلیل است که رویکردهای داستانی به روان‌درمانی تأکید دارد و قصه‌ها در چگونگی رفتار و واقعیت‌های کودکان نقش مؤثری ایفا می‌کند و قصه‌ها به کودکان راه‌حلهایی ارائه می‌دهند که غیر منتظره و شگفت‌انگیز و در عین حال مثبت‌اند (رجب پور فرخانی و جهانشاهی، ۱۳۹۰).

قصه‌درمانی نوعی رفتار تقلیدی در قالب شخصیت و رویکردی است در مشاوره که مردم را متخصصان اصلی زندگی‌شان و مشکلات را به عنوان بخش‌های جداگانه از مردم می‌بیند و تصور می‌کند مردم دارای بسیاری از مهارت‌ها، باورها، ارزشها و تواناییهایی هستند که به آنها کمک می‌کند تا اثرات مشکلات را در زندگی‌شان کاهش دهند (بابا نظری و آقای، ۱۳۹۱). شنیدن قصه امکان تصویرسازی را برای کودکان فراهم می‌کند، کودک با شنیدن قصه، شخصیت‌های آنها را خلق می‌کند. توانایی تجسم و خیالبافی مبنای تصور خلاق است. بنابراین با توجه به جنبه تربیتی و آموزشی و درمانی قصه و داستان، می‌توان از آنها به عنوان وسیله‌ای ارزشمند و کارآمد جهت ارتقا آموزشی، رشد و پرورش خلاقیت بهره‌گرفت (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۱). دوران کودکی سال‌های مناسبی برای رشد و پرورش خلاقیت و تشخیص استعداد‌های کودکان، و حتی تشخیص مشکلات و اصلاح رفتارهای ناسازگار آنان است. و به طور کلی کودکان و نوجوانان علاقه‌ای به شرکت در جلسات درمانی ندارند، اما قصه را دوست دارند و از شنیدن آن لذت می‌برند؛ به خصوص پسران که به نظر می‌رسد به قصه اعتماد می‌کنند (نصیرزاده و روشن، ۱۳۸۹).

سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش ابتدایی، از حساس‌ترین و مهم‌ترین وظایف دست‌اندرکاران و مسئولان جامعه است و باید از اولویت ویژه‌ای برخوردار باشد (شفیع آبادی، ۱۳۸۸). دوران کودکی نقشی حساس و تعیین‌کننده در زندگی انسان دارد. و به اعتقاد روانشناسان این دوران برجسته‌ترین مرحله در تکوین شخصیت انسان است و وجود تعارضات و نابسامانی‌ها در این دوران از عوامل اساسی در بروز مشکلات در سراسر زندگی به‌شمار می‌آید. در نتیجه با توجه به اهمیت و حساسیت دوران کودکی فعالیت‌های هنری و بازی در خلاقیت کودکان از اهمیت بالایی برخوردار است (دادستان، ۱۳۹۳). تربیت کودکانی شاد، سالم و خلاق در شمار هدف‌های مهم والدین و مربیان می‌باشد. مهم‌ترین زمان برای آموزش و رشد و پرورش خلاقیت و استعدادها در کودکان در سنین ۷ - ۱۲ سالگی می‌باشد. و حتی پیامبر گرامی اسلام این سنین را بهترین سن برای آموزش و اکتساب می‌دانستند (سیف و همکاران، ۱۳۸۸). آموزش مبتنی بر قصه در قالبی مأنوس و غیرتهدیدکننده باعث افزایش آگاهی و بینش کودک می‌شود، چراکه کودک خودش و مسائل زندگی‌اش را در روایت دیگران مشاهده کرده و درک بهتری از خود پیدا می‌کند (یحیی محمودی و همکاران، ۱۳۹۲).

از یک سو یافته‌های به دست آمده از پژوهش‌ها نشان دهنده آن هستند که کودکان پرخاشگر در بزرگسالی هم به ادامه پرخاشگری تمایل دارند، از سوی دیگر بررسی‌ها از گسترش روزافزون خشونت و رفتارهای پرخاشگرانه در مدارس به ویژه در سال‌های اخیر حکایت دارند و این گونه رفتارها مسلماً تأثیرات بلندمدت و جبران‌ناپذیر بر کودکان دبستانی برجا می‌گذارد (نصیرزاده و روشن، ۱۳۸۹). در سه دهه گذشته، تلاش‌های پژوهشگران و درمانگران منجر به معرفی درمان‌های اثربخش گوناگونی در زمینه کاهش پرخاشگری و خشم در کودکان هم چون استفاده از ادبیات، قصه و قصه‌درمانی شده است (روشن ۱۳۸۵، شستمن ۱۹۹۹<sup>۱</sup>، شستمن و ناسارالدین ۲۰۰۶<sup>۲</sup>، کوک و همکاران ۲۰۰۴<sup>۳</sup>، پرو ۲۰۰۸<sup>۴</sup>). نتایج پژوهش نصیرزاده و روشن (۱۳۸۹) با موضوع تأثیر قصه‌گویی در کاهش پرخاشگری پسران شش تا هشت ساله نشان داد که قصه‌گویی در کاهش پرخاشگری کودکان کوثر است و همچنین کاربرد قصه و ساختار آن را در آموزش کودکان و حل مشکلات آنها قابل‌تعمیم می‌باشد. نتایج پژوهش رجب پور فرخانی و جهانشاهی (۱۳۹۰) با موضوع اثربخشی قصه‌درمانی در کاهش اختلال رفتاری دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی نشان داد که قصه‌درمانی در کاهش اختلالات رفتاری دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی مؤثر است. همچنین پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش خلاقیت به این نتیجه رسیده‌اند که خلاقیت را می‌توان پرورش داد (نادری و همکاران، ۱۳۹۱). نتایج پژوهش راد بخش و همکاران (۱۳۹۲) با موضوع اثربخشی بازی و قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت کودکان نشان داد که استفاده از قصه‌گویی باعث افزایش خلاقیت دانش‌آموزان می‌گردد. نتایج پژوهش پیترسون و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، نشان داد که قصه‌درمانی به ارتباط با دیگران، خلق و نسبت دادن معنا به تجربیات، تفکر درباره‌ی خوب یا بد، بیان نظریات و ایده‌ها منجر می‌شود. نتایج پژوهش والی (۱۳۸۶)، با موضوع قصه‌گویی، روشی مؤثر در آموزش مفاهیم پیچیده علم پزشکی نشان داد که قصه‌گویی بر آموزش مفاهیم پزشکی نیز مؤثر است.

کودکان اغلب به قصه و داستان علاقه مند هستند و از آنها تأثیر می‌پذیرند، و با نگاهی به دنیای

1. Shechtman
2. Shechtman & Nasaraladin
3. Cook et al
4. Perrow
5. Peterson et al

کودکان می‌توان به خوبی به اهمیت قصه پی برد. بنابراین در پژوهش حاضرین سؤال مطرح می‌گردد که آیا قصه‌گویی و داستان‌گویی به سبک ادبی و برگرفته از کتابهای ایرانی مثل کلیله و دمنه بر رشد و پرورش خلاقیت و کاهش خشم کودکان موثر است؟

### روش پژوهش

این پژوهش آزمایشی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل است. در این پژوهش جامعه آماری را دانش‌آموزان پسر پایه دوم و سوم ابتدایی شهرستان قروه که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۹۲ مشغول به تحصیل می‌باشند را شامل می‌شود. حجم نمونه ابتدا تعداد ۶۰ نفر از دانش‌آموزان بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد، سپس بر اساس نمرات پرسشنامه تعداد ۲۲ نفر از این افراد که در پرسشنامه خلاقیت پایین‌ترین نمرات و در پرسشنامه خشم چند بعدی بالاترین نمرات را گرفتند انتخاب شدند و بصورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش ۱۰ جلسه قصه‌گویی و داستان‌گویی به سبک ادبی (بر اساس داستانهای موجود در کلیله و دمنه) هر هفته ۲ جلسه، و هر جلسه به مدت ۶۰ دقیقه را بصورت گروهی دریافت کردند، اما گروه کنترل مداخله‌ای را دریافت نکردند. جهت تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون تحلیل کواریانس)، استفاده شد.

### ابزار

پرسشنامه خلاقیت شیفر: توسط چارلز شیفر برای سنجش خلاقیت ساخته شد. که دارای ۳۲ سؤال دو گزینه‌ای (بله، خیر) است. و از ۳۲ سؤال، ۳ و ۱۴ جزو سؤال‌های کنترل می‌باشند و فقط برای کاستن از کشف ماهیت ابزار تحقیق طراحی شده‌اند و هیچ نمره‌ای به آنها تعلق نمی‌گیرد. بدین ترتیب آزمودنی بر اساس گزینه علامت زده نمره‌ای از ۰ تا ۳۰ می‌گیرد. نمرات بالا نشان دهنده‌ی نگرش مناسب‌تری نسبت به خلاقیت است. در صورت ارائه پاسخ ناکامل یا چندگانه به یک سؤال نمره صفر داده می‌شود. برای کنترل مجموعه پاسخ ارائه شده ۱۵ عبارت به طوری تنظیم شده است که پاسخ مثبت در جهت خلاقیت نمره دریافت می‌کند و در ۱۵ عبارت دیگر به پاسخ منفی نمره یک داده می‌شود. و در صورت اینکه دانش‌آموز در پاسخ‌گویی به پرسش نامه اگر به ۱۵ سؤال مثبت پاسخ دهد یا بیشتر بیانگر خلاقیت است و اگر نمره کسب شده از ۱۵ کمتر باشد بیانگر عدم خلاقیت است. ابعاد خلاقیت مورد نظر شیفر که در این آزمون مورد سنجش قرار می‌گیرد عبارتند از: اطمینان از عقاید خود (۱۱ سؤال)، آزادی بیان در افکار (۴ سؤال)، احساس خیال‌پردازی (۷ سؤال)، تمایل به نوآوری (۳ سؤال)، و جهت‌گیری نظری و زیباشناختی (۵ سؤال). پایایی پرسشنامه خلاقیت در پژوهش‌های قبلی ۰/۷۴ گزارش شده است (قلتاش و همکاران، ۱۳۸۹). پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۷ برآورد شد.

پرسشنامه خشم چند بعدی: این مقیاس توسط پرواز و خالدیان (۱۳۹۱) ساخته شد که دارای ۵ عامل و ۲۹ گزینه است. نتایج حاصله نشان داد آزمون محقق ساخته از پنج عامل تشکیل شده و میانگین و انحراف استاندارد کل آزمون به ترتیب ۶۲/۸۷ و ۱۵/۳۳ بدست آمد که محاسبه این شاخص‌ها برای هر کدام از عامل‌ها انجام شد که میانگین و انحراف معیار به ترتیب برای عامل اول ۱۶/۶۹ و ۵/۷۴، عامل دوم ۱۶/۸۸ و ۶/۶۶، عامل سوم ۹/۲۶ و ۳/۱۰، عامل چهارم ۱۰/۰۱ و ۳/۰۳ و برای عامل پنجم ۹/۴۸ و ۳/۰۸ بدست آمد. نقطه برش به تفکیک جنسیت نیز برای آزمون محاسبه شد که این مقدار برای

مردان ۸۲/۷۷ و برای زنان ۹۲/۵۸ محاسبه شد. جهت تعیین شدت اختلال نیز از میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد که نمره ۷۸/۲ بعنوان نمره در معرض آسیب و نمره ۹۳/۵۳ بعنوان نمره آسیب دیده محاسبه گردید که بر این اساس افرادی که نمره آنان بالاتر از ۹۳/۵۳ قرار بگیرد کسانی هستند که خشم را با شدت بیشتری تجربه می‌کنند. به منظور برآورد پایایی آزمون از طریق همسانی درونی از روش ضریب آلفای کراباخ استفاده شد. ضرایب به دست آمده از روش آلفای کراباخ برای هر یک از مؤلفه‌های آزمون نشان داد که ضریب آلفای بدست آمده برای عامل اول (خشم انگیزتگی) با ۸ سؤال ۰/۸۲، عامل دوم (خشم بیرونی) با ۹ سؤال ۰/۸۴، عامل سوم (نگرش خصمانه) با ۴ سؤال ۰/۶۲، عامل چهارم (خشم درونی) با ۴ سؤال ۰/۵۶، عامل پنجم (موقعیت‌های خشم انگیز) با ۴ سؤال ۰/۶۰ بدست آمد. ضرایب پایایی برای هر دو نیمه به ترتیب برابر ۰/۸۵۶، (نیمه اول) و ۰/۸۲۷، (نیمه دوم) بوده است ۰/۷۷۷. پایایی کل آزمون مورد نظر است. ضرایب پایایی بدست آمده از روش تنصیف برای هر دو نیمه به ترتیب برابر ۰/۸۵، (نیمه اول) و ۰/۸۲، (نیمه دوم) و برای کل آزمون ۰/۷۷ بود. جهت تعیین روایی ملاکی از آزمون STAXI-II استفاده شد که میزان همبستگی بین دو آزمون ۰/۷۱ بدست آمد.

### جدول ۱. محتوای خلاصه جلسات قصه‌گویی و داستان‌گویی به سبک ادبی (داستانهای کلیده و دمنه)

جلسه	محتوا
اول	آشنایی اعضا با دوره آموزشی و مقررات جلسه، بحث و گفتگو در مورد قصه‌گویی و داستان‌گویی، خصوصیات و ویژگی‌های افراد خلاق و پرخاشگر و تاثیر خلاقیت و خشم بر زندگی.
دوم	داستان کلاغ و مار: روزی روزگاری در دشتی وسیع کلاگی بر روی درختی لانه ساخته بود، در پای آن درخت، ماری زندگی می‌کرد که تخمهای کلاغ بیچاره را می‌خورد. کلاغ برای حل مشکل با دوستش شغال درد دل کرد و شغال راهی را پیش پای او گذاشت. وی گفت باید بالای آبادی پرواز کنی و هر جایی که ارشمندی را دیدی بریایی، البته طوری که صاحب آن شیء تو را ببیند و در پی ات بیاید. کلاغ همین کار را کرد و انگشتری مردی را که در حال وضو گرفتن بود، ربود. مرد در پی او افتاد و کلاغ انگشتر را درست بر روی محل زندگی مار انداخت. مرد با دیدن مار او را کشت و انگشترش را برداشت و به خانه برگشت. به این ترتیب کلاغ برای همیشه از شر مار راحت شد (منشی، ۱۳۷۹).
سوم	داستان شیر نادان: روزی روزگاری در جنگلی که تعداد زیادی از حیوانات با خوشی و خرمی زندگی می‌کردند شیری وارد شد و با شکار حیوانات ضعیف خوشی آنان را از بین برد. حیوانات که از دست آزارهای شیر آرامش خود را از دست داده بودند نزد او رفتند و پیشنهاد کردند که شیر از شکار آنان دست بردارد و آنها هم در عوض قول می‌دهند هر روز حیوانی را به عنوان غذای شیر تسلیم او کنند. همینگونه شد و آنان هر روز یک نفر از بین خود را برای خوراک شیر می‌فرستادند تا آنکه نوبت به خرگوش رسید. خرگوش کمی صبر کرد تا از ساعت غذای شیر کمی بگذرد. همین موضوع باعث عصبانیت شیر شد و وقتی خرگوش را دید با عصبانیت دلیل تأخیر او را جویا شد. خرگوش در جواب گفت در راه آمدن شیری مزاحم ما شد و همراه من را هم که غذای شما بود خورد و در جواب اعتراض ما گفت از این به بعد سلطان جنگل من هستم. شیر که عصبانی شده بود از خرگوش خواست تا او را نزد شیر جدید ببرد. خرگوش اطاعت کرد و شیر را بر سر چاهی برد و گفت شیر جدید در بن چاه است. خرگوش خواست تا برای جلوگیری از ترسیدنش شیر او را در آغوش بگیرد. وقتی که شیر خرگوش را در آغوش گرفت و به ته چاه نگاه کرد، تصویر خود و خرگوش در آغوشش در آب را دید و به تصور آنکه آن تصویر متعلق به شیر رقیب و خرگوش دوم است، برای کشتن رقیب در چاه پرید و هلاک شد (منشی، ۱۳۷۹).

چهارم	<p>داستان سه ماهی: روزی، روزگاری سه ماهی یکی زرنگ، دومی تنبل و سومی باهوش در برکه ای زندگی می کردند. از سر قضا دو ماهی گیر که از آنجا می گذشتند ماهی ها را دیدند و با خود قرار گذاشتند روز بعد برای صید آنها به برکه بازگردند. ماهی زرنگ از شنیدن کلام صیادان به خود لرزید و برای نجات جانش با سرعت از برکه گریخت. دو ماهی دیگر همچنان سر جایشان ماندند تا آن زمان که ماهی گران آمدند. ماهی زرنگ کخ دید کار از کار گذشته و جانش در خطر است، فکری به ذهنش خطور کرد. او خود را به مردن زد و ماهی گران با دیدن یک ماهی مرده از صید آن صرف نظر کردند و به این ترتیب ماهی زرنگ با این خلاقیتی که به خرج داد زمینه نجان خود را فراهم کرد. اما ماهی سوم که نه زرنگی ماهی اول را داشت و نه تیزهوشی ماهی دوم را، به خاطر تعلل و تنبلی بی حد وانداز اش اسیر دست صیادان شد و زندگی اش را از دست داد(منشی، ۱۳۷۹).</p>
پنجم	<p>داستان کلاغ و گرگ و شغال: روزی، روزگاری شتری از کاروانش جاماند و در جنگلی گم شد. در آن اطراف شیری زندگی می کرد که به جوانمردی و کمک به سایر حیوانات مشهور بود. شیر از دیدن شتر گم شده و حیران دلش به درد آمد و به او پناه داد. بعد از آن شتر در کنار سایر دوستان شیر یعنی کلاغ و گرگ و شغال زندگی می کرد و با خوردن ته مانده ی هر آنچه شکار شیر به جا می ماند گذران زندگی می کرد. تا آنکه شیر بیمار شد و توانایی شکار کردن را از دست داد. دوستان شیر دور هم جمع شدند و گفتند این شرط انصاف نیست که حالا که شیر ناتوان شده او را گرسنه و بی توشه به حال خود رها کنیم. طریق انصاف ایجاب می کند که ما از سر تعارف هر کدام خود را بر سیر عرضه کنیم و از او بخواهیم که به عنوان غذا ما را بخورد. اولین نفر کلاغ بود که از سیر خواست تا او را به عنوان ناهار بخورد، اما سایر حیوانات یعنی گرگ و شغال و شتر گفتند نه تو کوچک هستی و گوشت ناچیز. کشتن تو سودی به حال سیر ندارد. بعد از کلاغ به ترتیب گرگ و شغال نیز خود را برای خورده شدن بر شیر عرضه کردند و به همان منوال قبلی جانشان را نجات دادند. تا آنکه نوبت به شتر رسید. شتر بیچاره که نمی دانست کلاغ و گرگ و شغال چه نقشه ی شومی برای او کشیده اند. از شیر خواست تا او را به عنوان غذا بخورد. تا این کلام بر زبان شتر جاری شد، کلاغ و گرگ و شغال هم صدا گفتند: آری تو راست می گویی. تو هم چاقی و هم گوشت خوشمزه است و به یکباره بر سر او ریختند و او را خوردند(منشی، ۱۳۷۹).</p>
ششم	<p>داستان صیاد و کلاغ: روزی، روزگاری موش و کلاغ و لاک پشت و آهو در کنار هم در جنگلی سرسبز زندگی می کردند. آنان زندگی خوش و خرمی داشتند و خوشبختانه تا آن روز پای هیچ شکارچی ای به آن محل باز نشده بود. روزی از روزها آهو که برای گشت و گذار رفته بود در برگشت تاخیر کرد. موش از سر نگرانی از کلاغ خواست تا بر بالای جنگل به پرواز دربیاید و سر و گوشه ی آب دهد. کلاغ از بالا همه جا را نگاه کرد و دید که متاسفانه آهو در دام صیاد اسیر شده است. کلاغ این موضوع را به اطلاع سایر دوستانش رساند. موش به سرعت خود را به آهو رساند و مشغول باز کردن بندها شد. زمانی که آخرین بند را پاره کرد ناگهان سر و کله ی صیاد از دور پیدا شد. با دیدن صیاد حیوانات پا به فرار گذاشتند اما در این میان لاک پشت که نمی توانست به سرعت دوستانش فرار کند، همانجا ماند صیاد که از پاره شدن دام و فرار آهو ناراحت بود با خود گفت همین لاک پشت را با خود می برم شاید از طریق فروشش کمی پول به دست بیاورم. کلاغ و آهو و موش از دین این وضعیت بسیار ناراحت شدند و نقشه ای کشیدند. آهو خود را در مسیر حرکت صیاد بر زمین انداخت و کلاغ بر بالای سر او نشست و وانمود کرد که در حال خوردن اوست. شکارچی از دیدن آهو زخمی بسیار خوشحال شد و به طرف او حرکت کرد. آهو در آن حال آهسته آهسته به حرکت درآمد به صورتی که شکارچی از گرفتن او ناامید نشود و ذره ذره بر سرعت خود افزود. شکارچی وقتی دید نمی تواند با وسایلی که در دست دارد، آهو را بگیرد کیسه ی خود را که لاک پشت داخل آن بود بر زمین گذاشت و شروع به دویدن در پی آهو کرد. وقتی که حسایی از کیسه فاصله گرفت. موش بندهای کیسه را پاره کرد و لاک پشت را فراری داد. آهو هم وقتی دید دوستانش فرار کرده اند خود را با سرعت تمام از نگاه شکارچی تیره بخت دور کرد و به این ترتیب دوستان یکدل توانستند از دست صیاد رها شوند(منشی، ۱۳۷۹).</p>

<p>داستان خشم ماه: روزی، روزگاری دسته‌ای از خرگوشان در کنار چشمه‌ای زلال و زیبا به نام چشمه‌ی مهتاب زندگی می‌کردند. آنها شاد و خرم بودند تا اینکه روزی دسته‌ای از فیلان که چشمه‌ی قبلی‌شان خشک شده بود، به چشمه‌ی مهتاب آمدند و چون قد و هیكلشان بزرگ بود، خرگوش‌ها از ترس آنکه مبادا زیر دست و پای فیلها کشته شوند، از آنجا گریختند. خرگوش‌ها از وضعیت پیش‌آمده بسیار ناراحت بودند و به همین خاطر برای رهایی از شر فیل‌ها با هم به شور پرداختند. در میان خرگوش‌ها خرگوشی زیرک و باهوش با نام پیروز گفت من نقشه‌ای دارم و برای اجرای این نقشه باید به تنهایی نزد فیل‌ها بروم. دسته‌ی خرگوش‌ها علی‌رغم نگرانی با رفتن پیروز موافقت کردند. پیروز شب هنگام به طرف چشمه‌ی مهتاب حرکت کرد و از ترس اینکه مبادا زیر پای فیل‌ها له شود، از بالای تپه فریاد زد که آهای فیل‌های ظالم! من پیروزم فرستاده‌ی ماه. ماه مرا فرستاده تا به شما پیغام دهم که از دست شما ناراحت است. چراکه شما به چشمه‌ی او تجاوز کرده‌اید. حالا ماه عصبانی است و به دنبال انتقام گرفتن از شماست. رئیس فیل‌ها گفت این حرفها چیست؟ من این مزخرفات را باور نمی‌کنم. پیروز گفت اگر باور نمی‌کنی به نزدیک چشمه برو و خرطوم خود را به آن بزن. فیل آرام خرطومش را به سمت آب چشمه برد و به همین خاطر عکس ماه که در آب چشمه افتاده بود و تا آن زمان بی‌حرکت و ثابت بود، به حرکت درآمد. فیل رئیس از دیدن این صحنه هراسان شد و رو به پیروز گفت که تو راست می‌گویی و ما همین حالا چشمه را ترک می‌کنیم و دیگر به اینجا بازمی‌گردیم (منشی، ۱۳۷۹).</p>	هفتم
<p>داستان وزغ و مار: روزی، روزگاری وزغی در برکه‌ای زندگی می‌کرد و در کنار آن برکه درخت تنومندی بود که ماری بزرگ و زشت در زیر آن زندگی می‌کرد. وزغ هر اندازه که تخم‌گذاری می‌کرد، مار تخم‌های او را می‌خورد. این دردسر بزرگ باعث شده بود که وزغ قصد رفتن از آن محل را بکند. وقتی داستان خود را برای همسایه‌اش خرچنگ تعریف کرد، خرچنگ او را از رفتن بازداشت و نقشه‌ای را برای نجاتش از دست مار بدجنس با او در میان گذاشت. خرچنگ به او گفت در این نزدیک راسویی زندگی می‌کند که بسیار ماهی دوست دارد و در عوض از مارها بیزار است. تو باید به طریقی او را به لانه‌ی مار نزدیک کنی. برای همین منظور وزغ چند ماهی تازه شکار کرد و آنها را به گونه‌ای با فاصله از هم چید که بویشان راسو را به طرف مسیر دلخواه وزغ کشاند یعنی لانه‌ی مار. راسو تک‌تک ماهی‌ها را خورد تا آخری که در کنار لانه‌ی مار قرار داده شده بود. به محض اینکه راسو متوجه حضور مار شد به لانه‌ی او حمله‌ور شد و او را کشت و به این ترتیب وزغ برای همیشه از شر مار زشت و بدکار رهایی پیدا کرد (منشی، ۱۳۷۹).</p>	هشتم
<p>داستان شولم و شولم: روزی، روزگاری در یک شب مهتابی چند دزد برای دزدی از خانه‌ای بر بام خانه برآمدند. سر و صدای حرکت دزدان باعث بیداری صاحب‌خانه و همسرش شد. صاحب‌خانه که می‌ترسید به تنهایی با دزدان روبه‌رو شود، آهسته از زن خواست تا با صدای بلند از او بپرسد: که ای مرد به من بگو این همه ثروت را چگونه به دست آورده‌ای؟ زن پذیرفت و با صدای بلند آن سؤال را پرسید. مرد در جواب گفت شیوه‌ی ثروت‌اندوزی من رازی است که من آن را به تو می‌گویم ولی حواست باشد به هیچ وجه آن راز را با کسی در میان نگذاری؟ مرد ادامه داد من در جوانی دزد بودم و طلسمی را می‌دانستم که اگر هفت بار آن را بر زبان می‌راندم می‌تواستم با کمک شعاع نور مهتاب خود را به سقف خانه برسانم. آن طلسم کلمه‌ی «شولم» بود و بر بالای بام خانه نیز هفت بار می‌گفتم شولم و با همان شعاع نور خود را به درون خانه می‌رساندم. در خانه نیز هفت بار می‌گفتم شولم و به یکباره تمامی اشیاء قیمتی خانه پیش چشمم حاضر می‌شد و از طریق همین طلسم بود که من این اندازه ثروتمند شدم. دزدان ساده‌دل با شنیدن این حکایت گول حرفهای مرد را خوردند و برای رسیدن به مقصود منتظر خوابیدن مرد و همسرش شدند. همین که احساس کرده‌اند مرد به خواب رفته، سر دسته‌ی دزدان هفت بار کلمه‌ی شولم را تکرار کرد و پایش را داخل روزن سقف گذاشت و با سر در درون خانه افتاد. صاحب‌خانه بلافاصله از خواب بلند شد و با چوب‌دستی‌اش به جان دزد بخت‌برگشته افتاد. رفیقان دزد نیز از دیدن این صحنه هراسان شدند و پا به فرار گذاشتند و به این ترتیب مرد صاحب‌خانه با یاری گرفتن از هوش و ریزبین‌اش از این مهلکه جان سالم به در برد (منشی، ۱۳۷۹).</p>	نهم
<p>تشویق در بکارگیری تفکر خلاق و یافتن راه حل‌های متفاوت و بکارگیری آنها و استفاده از تفکر و اندیشیدن درباره موضوع‌ها؛ و همچنین از کودکان خواسته شد که یک داستان را تعریف نمایند که در آن فرد با یک مساله مواجه شده است و باید برای آن پاسخ و راه حلی پیدا نماید. در نهایت از کودکان و والدین آنها که در انجام این پژوهش همکاری کردند تقدیر و تشکر به عمل آمد و در پایان جلسه، پرسشنامه‌ی خلاقیت و خشم در بین کودکان توزیع گردید.</p>	دهم



## یافته ها

هدف از پژوهش حاضر تاثیر قصه گوئی و داستان گوئی به سبک ادبی (داستانهای کلیله و دمنه) بر پرورش خلاقیت و کاهش خشم کودکان است که اطلاعات توصیفی و استنباطی مربوط به هر کدام از متغیرها در زیر ارائه شده است.

## جدول ۲: اطلاعات توصیفی نمرات خلاقیت و خشم در پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایش و کنترل

گروه	مرحله	آزمایش		کنترل	
		پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون
خلاقیت	میانگین	۱۲/۷۵	۱۵/۲	۱۳/۱	۱۲/۹
	انحراف معیار	۱/۳	۱/۵	۱/۵	۱/۶
خشم	میانگین	۷۰/۱	۶۵/۳۷	۷۱/۴۵	۷۱/۰۹
	انحراف معیار	۲/۲۶	۱/۸۶	۲/۸	۲/۸۸

مندرجات جدول ۲ اطلاعات توصیفی در پیش آزمون و پس آزمون خلاقیت و خشم در دو گروه آزمایش و کنترل را نشان می دهد. میانگین خلاقیت افراد در گروه آزمایش در پیش آزمون ۱۲/۵ و در پس آزمون ۱۵/۲ است و میانگین خلاقیت افراد در گروه کنترل در پیش آزمون ۱۳/۱ و در پس آزمون ۱۲/۹ است. همچنین میانگین خشم افراد در گروه آزمایش در پیش آزمون ۷۰/۱ و در پس آزمون ۶۵/۳۷ است و میانگین خشم افراد در گروه کنترل در پیش آزمون ۷۱/۴۵ و در پس آزمون ۷۱/۰۹ است.

## جدول ۳: نتایج گزارش آزمون فرض همگنی شیب ها

متغیرها	مجموع مجذورات	d.f	میانگین مجذورات	F	Sig	اتا
گروه	۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵	۰/۰۶۱	۰/۸	۰/۰۰۳
پیش آزمون	۳۴/۸۸	۱	۳۴/۸۸	۶۱/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۷۷۴
گروه*پیش آزمون	۰/۷۴۳	۱	۰/۷۴۳	۱/۳۱۱	۰/۲۶۷	۰/۰۶۸
خطا	۱۰/۲	۱۸	۰/۵۶			

همگنی شیب ها با مقدار  $F(۱۸,۱) = ۱/۳۱۱$  برای امید به زندگی معنی دار نشده است، لذا مفروضه همگنی شیب های رگرسیون برای متغیر امید به زندگی محقق شده است. با توجه به یافته های فوق، جهت بررسی فرضیه مورد نظر، از تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل در خلاقیت

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	d.f	میانگین مجزورات	F	Sig	مجذور اتا
خلاقیت	پیش آزمون	۳۴/۱۵	۱	۳۴/۱۵	۵۹/۲۶	۰/۰۰۱	۰/۷۵
	گروه	۴۱/۶	۱	۴۱/۶	۷۲/۲۱	۰/۰۰۱	۰/۷۹
خطا		۱۰/۹۴	۱۹	۰/۵۷۶			

مندرجات جدول ۴ نشان می دهد که مقدار  $F(۲۱,۷۲) = ۷۲$  و سطح معنا داری (۰/۰۰۱) در متغیر گروه بیانگر تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون می باشد. بنابراین نتایج بدست آمده حاکی از تأثیر روش قصه گویی بر افزایش خلاقیت شرکت کنندگان می باشد. به عبارتی روش قصه گویی توانسته است خلاقیت را در شرکت کنندگان گروه آزمایش افزایش دهد.

جدول ۵: نتایج گزارش آزمون فرض همگنی شیب ها

متغیرها	مجموع مجزورات	d.f	میانگین مجزورات	F	Sig	اتا
گروه	۱/۴۴۷	۱	۱/۴۴۷	۱/۵۸	۰/۲۲۵	۰/۰۸۱
پیش آزمون	۸۷/۲۲۱	۱	۸۷/۲۲۱	۹۵/۱	۰/۰۰۱	۰/۸۴
گروه*پیش آزمون	۲/۶	۱	۲/۶	۲/۸۴	۰/۱۱	۰/۱۳۶
خطا		۱۶/۵	۱۸	۰/۹۲		

همگنی شیب ها با مقدار  $F(۱۸,۱) = ۲/۸۴۱$  برای خشم معنی دار نشده است، لذا مفروضه همگنی شیب های رگرسیون برای متغیر خشم محقق شده است. با توجه به یافته های فوق، جهت بررسی فرضیه مورد نظر، از تحلیل کوواریانس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون تحلیل در خشم

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	d.f	میانگین مجزورات	F	Sig	مجذور اتا
خلاقیت	پیش آزمون	۹۸/۳۴	۱	۹۸/۳۴	۹۷/۷۵	۰/۰۰۱	۰/۸۳۷
	گروه	۱۴۹/۸۳	۱	۱۴۹/۸۳	۱۴۸/۹۳	۰/۰۰۱	۰/۸۸
خطا		۱۹/۱۱۴	۱۹	۱/۰۰۶			

مندرجات جدول ۶ نشان می دهد که مقدار  $F(۹۳,۱۴۸) = ۱۴۸$  و سطح معنا داری (۰/۰۰۱) در متغیر گروه بیانگر تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون می باشد. بنابراین نتایج بدست آمده حاکی از تأثیر روش قصه گویی بر کاهش خشم شرکت کنندگان می باشد. به عبارتی روش قصه گویی توانسته است خشم را در شرکت کنندگان گروه آزمایش کاهش دهد.

### بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر اثر بخشی قصه گویی و داستان گویی به سبک ادبی (داستانهای کلیله و دمنه) بر پرورش و افزایش خلاقیت و کاهش خشم کودکان می باشد که با توجه به یافته های پژوهش حاضر می توان نتیجه گرفت که استفاده قصه گویی و داستان گویی به سبک ادبی (داستانهای کلیله و دمنه) در افزایش خلاقیت در کودکان مؤثر می باشد. که با نتایج پژوهشهای همایی و همکاران (۱۳۸۵)، والی (۱۳۸۶)، نصیرزاده و روشن (۱۳۸۹)، رجب پور فرخانی و جهانشاهی (۱۳۹۰)، یحیی محمودی و همکاران (۱۳۹۲)، راد بخش و همکاران (۱۳۹۲)، شستمن (۱۹۹۹)،

تورنس (۲۰۰۲)، همسو می‌باشد. در تبیین فرضیه اول می‌توان گفت که قصه‌گویی باعث بهره‌گیری از حافظه، به‌کارگیری هوشیاری، ماندگاری مطالب در ذهن، تقویت حافظه، تقویت هوش، و در نهایت تقویت حس خلاقیت در فرد می‌شود (نازی دیزجی و همکاران، ۱۳۸۹). از لحاظ عاطفی، تجربیات مهم را می‌توان با تمثیل نمادین به وسیله‌ی قصه و داستان، راحت‌تر و آرام‌تر بیان کرد و کودک را قادر می‌سازد تا اضطرابها، خیالپردازیها و گناه را به جای مردم و زندگی واقعی به داستانها و قصه‌ها منتقل کند. بنابراین کودکان به وسیله‌ی عملکردهای خود در هم نمی‌شکنند، زیرا این عملکردها در خیالات قرار دارند. از طریق قصه و داستان، تجربه به طور نمادین اجرا میشود و کودکان در ساختن داستان‌ها می‌توانند ذهنیت خود را خلق نمایند و حتی ذهنیت دیگران را نیز مشاهده نمایند که می‌تواند منجر به افزایش خلاقیت گردد. فرایند قصه و داستان همچنین به کودکان اجازه می‌دهد، احتمالات جدیدی را که در واقعیت ممکن نیست در نظر بگیرند، چیزهایی ناآشنا را کشف کنند و درکشان را درباره‌ی تجربه‌ی احساسات و شناخت افزایش دهند. طبق دیدگاه بندورا (۱۹۷۳)، کودکان در هنگام داستان‌گویی و قصه‌گویی، تخیل خود را با واژه‌ها و شخصیت قصه‌ها همسو و هماهنگ می‌کنند و با استفاده از تفکر واگرا و خلاق سعی می‌کنند به نتایج داستان فکر می‌کنند و جزئیات داستان و قصه را حلاجی می‌کنند که این خود ممکن است منجر به افزایش خلاقیت گردد. استفاده از قصه و داستان به افراد اجازه قالب دهی به رفتارها، نگرش‌ها و خویشستن‌شناسی می‌دهد که این خود میتواند باعث گردد کودک از تواناییها و استعدادهايش به نحو احسن و درست استفاده نماید که در نهایت منجر به افزایش خلاقیت گردد. در تبیین دیگر این یافته‌ها می‌توان گفت که در شیوه قصه‌گویی قهرمان داستان به عنوان الگو عمل کرده و کودک در جریان یادگیری مشاهده‌ای و شرطی سازی جانشینی رفتارهای جدیدی می‌آموزد (هنفر، ۲۰۰۳)، و این رفتارهای جدید را به زندگی واقعی خود تعمیم می‌دهد، و در زندگی خود نیز با توجه به اکتساب رفتارهای جدید، سعی می‌نماید که در مواجهه با موقعیتها و مسائل از روش‌های جدید استفاده نماید و شیوه‌های جدید را امتحان نماید و از تفکر خلاق استفاده نماید که منجر به پرورش و رشد خلاقیت می‌شود و بنظر می‌رسد ارائه آموزش در قالب قصه و داستان با ایجاد جذابیت و انگیزه بیشتر و همچنین ملموس کردن اطلاعات و مفاهیم و مهارتها به یادگیری عمیق‌تر و بهتری منجر شده است.

از یافته‌های دیگر پژوهش این بود که استفاده قصه‌گویی و داستان‌گویی به سبک ادبی (داستانهای کلیله و دمنه) در کاهش خشم در کودکان مؤثر می‌باشد. که با نتایج پژوهشهای کوک و همکاران (۲۰۰۴)، سارسانی (۲۰۰۵)، پیترسون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، روشن (۱۳۸۵)، شستمن و ناسارلدین (۲۰۰۶) و پرو (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. در تبیین فرضیه دوم می‌توان گفت که روانشناسان یکی از دلایل اصلی پرخاشگری را نداشتن الگوی صحیح ذکر می‌کنند که با ارایه یک مدل رفتاری و جلب توجه افراد به رفتارهای درست و نادرست شخصیت‌های قصه می‌توان تا اندازه‌ای پرخاشگری را در کودکان پرخاشگر کاهش داد. گرچه روش پژوهش و شیوه کاربرد قالب و ساختار قصه و حتی خود قصه‌ها در مطالعات ذکرشده با یکدیگر متفاوت است؛ یافته‌ها به طور کلی نشان می‌دهند که قصه‌ها می‌توانند به عنوان ابزاری مؤثر در جهت تغییر و جهت دهی رفتار کودکان به کار گرفته شوند. در واقع قصه به عنوان شکلی از ادبیات کودک نقش مهمی در تسهیل ساز و کار تغییر ایفا می‌کند و با نشان دادن پیچیدگی و غنای زندگی به کودکان، در عین برانگیزاندن حس کنجکاوی کودکان؛ تدافعی بودن آنها را به حداقل کاهش می‌دهد و بازگو نمودن داستانهای مختلف می‌تواند باعث پروراندن افکار جدید و

شیوه‌های جدید زندگی و حتی راهکارهای متنوع گردد و خشم و پرخاشگری را کاهش دهد. همچنین بیان داستان و قصه و نیز گوش فرادادن به آن دانش‌آموزان را به بهره‌گیری از تخیلاتشان تشویق میکند. این تخیل قوی می‌تواند اعتمادبه‌نفس و انگیزش شخصی و انگیزه پیشرفت را در دانش‌آموزان افزایش دهد، زیرا آنان خود را برای نیل به امیال و آرزوهایشان شایسته و توانمند تصور می‌کنند. قصه‌ها می‌توانند از نظر تربیت اجتماعی، عاطفی، و اخلاقی نیز مؤثر واقع شوند و بسیاری از مقررات، هنجارهای اجتماعی، و دستورالعمل‌های زندگی را منتقل کنند. چگونگی روبه‌رو شدن با مشکلات، حل آنها، و بسیاری از الگوهای رفتاری در گروه‌ها و طبقه‌های مختلف اجتماعی و سنی در داستانها بیان می‌شود و با توجه به اینکه یکی از دلایل اصلی خشم ناکامی می‌باشد نحوه برخورد با مشکلات و موانع و راهکارهای جدید در قصه‌ها می‌تواند تبیینی برای کاهش خشم باشد.

یکی از علل اساسی اهمیت تفسیر محتوای ناخودآگاه داستانها در کار با کودکان این است که قصه‌ها محصول ذهنیت جمع هستند و آن‌ها به صورت شفاهی خلق و نقل می‌شوند و کودکان در هر بار شنیدن و بازگویی می‌توانند متناسب با نیازهای خودشان در آن‌ها تغییر به وجود آورند و آرمان‌ها، آرزوها و ایده‌های خود را در قالب قصه‌ها بیان کنند و امید به تغییر و تحول داشته باشند و کمتر حس ناکامی به آنها دست دهد و در نتیجه همیشه از راههای مختلف در زمینه‌های پیش‌رو عمل می‌کنند و همیشه با خلاقیت و کنترل خشم در زمینه‌های مختلف عمل می‌کنند. و همچنین در یافتن راه حل‌های اصیل و جدید برای مسائل موفق‌تر هستند و زمانی که کودکان در معرض آموزش روشهای افزایش خلاقیت قرار می‌گیرند، و از طریق آزمایش راه حل‌های مختلف هم خلاقیت آنها رشد پیدا می‌کند و هم کمتر دچار ضعف و ناکامی می‌شوند و امکان کاهش خشم وجود دارد و این عادت در آنها نهادینه می‌شود که کمتر خشمگین شوند. قصه‌گویی نوعی بحث و برون‌ریزی افکار و اندیشه‌ها می‌باشد و همچنان که در این پژوهش و پژوهش‌های گذشته خاطر نشان شده است از راه گفتن کلیدواژه‌هایی برای قصه‌گویی و یا تمام کردن یک قصه ناتمام دانش‌آموزان به کنکاش ذهنی می‌پرداختند و هر دانش‌آموز تخیلات، رویاها و اندیشه‌های خود را به صورت عملیاتی درآورده و بازخورد می‌گرفتند و علاوه بر آن هر دانش‌آموز با شنیدن داستان‌ها و قصه‌های ساخته شده توسط هم‌کلاسی‌های خود شیوه‌های تفکر بدیع و خلاق‌تر از تفکر خود را می‌آموزد؛ به علاوه با ساخته شدن داستان و قصه و بیان آن بازخوردهای راهبردی و هموارکننده مسیر تفکر به آنها داده می‌شود و این مسیر تفکر جدید را می‌توانند به عنوان راه حل و راهکار در مسائل پیش‌روی خود در نظر بگیرند و با توجه به داشتن راه حل‌های مختلف و متنوع امکان رویارویی با مسائل و مشکلات برای آنها ممکن و کمتر احساس عجز و ناتوانی داشته و در نتیجه هیجانهای مثبت را جایگزین هیجانهای منفی از جمله خشم می‌کنند (گرین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

وجود محدودیتهایی همچون کنترل نشدن بسیاری از متغیرهایی از قبیل هوش کودک تا حدودی تعمیم این نتایج را دشوار میکنند که بی‌گمان پژوهش‌های آینده میتوانند نکات تازه‌ای را در این باره آشکار سازند. با توجه به اینکه سنین دبستان بهترین سن برای آموزش رفتارهای صحیح و جامعه‌پسند به کودکان است و در این سن با درگیر کردن کودکان به فعالیتهای فکری می‌توان آنها را به سمت رشد و پرورش استعدادها هدایت نمود، پیشنهاد می‌گردد که مسئولین آموزش و پرورش به امر قصه، قصه‌گویی و داستان‌گویی برای رشد خلاقیت و استعداد در کودکان و کنترل خشم و پرخاشگری اهمیت دهند و برای آشنایی مربیان، معلمان، و والدین با اهمیت این موضوع کارگاههایی جهت آگاهی

و آشناسازی آنها برگزار نمایند، تا بتوان اعمال و رفتار را به شکل هوشمندانه‌ای نظم و ترتیب و شکل داد و زمینه را فراهم نمود تا در پرورش استعدادها و تربیت نیرویی کارآمد جهت ساختن آینده‌ای روشن و موفق گام برداشت.

### منابع

- البرزی، محبوبه. (۱۳۹۰). نقش باورهای فرزندپروری و نگرش مادران به تفکر خلاق بر خلاقیت کودکان. *مجله مطالعات زنان*. ۹(۲): ۷-۲۴.
- بابانظری، لاله؛ آقایی، توران. (۱۳۹۱). تاثیر قصه‌گویی بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان پسر پایه‌ی اول و دوم راهنمایی. *مجله روانشناسی معاصر*. ۷(ویژه نامه): ۴۲۱-۴۲۴.
- پرواز، راعد، دلاور، علی؛ درتاج، فریبرز. (۱۳۹۰). ساخت و استاندارد کردن مقیاس خشم چند بعدی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان گیلانغرب در سال تحصیلی ۸۷-۸۶. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*. ۵(۲): ۴۱-۶۶.
- پیرخانقی، علیرضا؛ برجلی؛ احمد؛ دلاور، علی؛ اسکندری، حسین. (۱۳۸۸). تاثیر آموزش خلاقیت بر مولفه‌های فراشناختی تفکر خلاق دانشجویان. *فصل نامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد واحد گرمسار*. ۳(۲): ۵۱-۶۱.
- تورنس، الیس پل. (۱۳۹۲). *خلاقیت*. (ترجمه رضا قاسم زاده). تهران: نشر دنیای نو. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۲۰۱۳).
- جمالی فیروزآبادی محمود، سپهریان حیدرزاده منوچهر، جلالی کشاورز مریم. (۱۳۸۹). تاثیر روش‌های آموزش نقاشی بر افزایش خلاقیت کودکان. *مجله تحقیقات روانشناسی*. ۲(۷): ۱۰۴-۱۱۱.
- دادستان، پریخ. (۱۳۹۳). *ارزشیابی شخصیت کودکان*. تهران: انتشارات رشد.
- دافی، برنارد. (۱۳۸۰). *تشویق حقانیت و تخیل در کودکان*. (ترجمه مهشید یاسایی). تهران: انتشارات ققنوس. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۲۰۰۱).
- درتاج، فریبرز؛ مصاحبی، اسدالله؛ اسدزاده، حسن؛ (۱۳۸۸) تاثیر آموزش مدیریت خشم بر پرخاشگری و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر ۱۵-۱۲ ساله. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*. ۴(۱۲): ۶۲-۷۲.
- رادبخش، ناهید؛ محمدی فر، محمدعلی؛ کیان ارثی، فرحناز. (۱۳۹۲). اثربخشی بازی و قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت کودکان. *مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*. ۲(۴): ۱۷۷-۱۹۵.
- راعد، پرواز؛ خالدیان، محمد. (۱۳۹۱). *ساخت و هنجاریابی مقیاس خشم چندبعدی*. تهران: انتشارات روانسنجی.
- رجب پور فرخانی، سمیه؛ جهانشاهی، فاطمه. (۱۳۹۰). اثربخشی قصه‌درمانی در کاهش اختلال رفتاری دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی. *مجله تفکر و کودک*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۲(۲): ۱۹-۳۵.
- روشن، آرتور. (۱۳۸۵). *قصه‌گویی: چگونه از داستان برای کمک به کودکان در رفع مشکلات زندگی بهره ببریم*. ترجمه: بهزاد یزدانی و مژگان عمادی. تهران: انتشارات رشد.
- سورتیجی اوکرکایی، علی اصغر؛ رستگارپور، حسن. (۱۳۹۱). رابطه آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری و خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم دبستان‌های ایران در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸. *مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*. ۱(۳): ۱-۲۷.
- سیف، سوسن؛ کدیور، پروین؛ کرمی نوری، رضا؛ لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۸)، *روانشناسی رشد*؛ ج ۱،

تهران؛ انتشارات سمت.

شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۵). ادبیات کودکان. تهران: انتشارات اطلاعات.

شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۸۸). راهنمایی و مشاوره کودک. تهران: انتشارات سمت.

قلتاش، عباس؛ اوجی نژاد، احمد رضا؛ برزگر، محسن. (۱۳۸۹). تاثیر آموزش راهبردهای فراشناخت بر عملکرد تحصیلی و خلاقیت دانش آموزان. فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد واحد تنکابن. (۴): ۱۱۹ - ۱۳۵.

گودرزی، نسرين؛ مکوند حسینی، شاهرخ؛ رضایی، علی محمد. (۱۳۹۱). اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه گویی بر کمرویی دانش آموزان. مجله روانشناسی معاصر. ۷ (ویژه نامه): ۲۶۳۶ - ۲۶۳۹.

منشی، نصرالله. (۱۳۷۹). ترجمه‌ی کلیله و دمنه. به تصحیح و توضیح مجتبی مینوی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

میرزابیگی، علی. (۱۳۹۰). نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روان کودکان. تهران: انتشارات مدرسه.

نادری، عزت‌الله؛ تجلی نیا، امیر؛ شریعتمداری، علی؛ سیف نراقی؛ مریم. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر اجرای برنامه‌ی فلسفه برای کودکان در پرورش خلاقیت دانش آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه منطقه ۱۴ تهران. مجله تفکر و کودک. ۳(۱): ۹۱ - ۱۱۷.

نازی دیزجی، سجاد؛ کشتکارقلاتی، احمد رضا؛ پرویزی، رضا. (۱۳۸۹). استفاده از روایی گویی در آموزش معماری. مجله فناوری آموزش. ۵(۲): ۱۲۳ - ۱۳۴.

نصیر زاده، راضیه؛ روشن، رسول. (۱۳۸۹). مقایسه دو رویکرد قصه گویی در کاهش مولفه های رفتار پر خاشگرانه از دیدگاه والدین. مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل. ۱۲ (۲): ۷۰ - ۷۶.

نصیرزاده، راضیه؛ روشن، رسول. (۱۳۸۹). تاثیر قصه گویی در کاهش پر خاشگری پسران شش تا هشت ساله. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۱۶(۲): ۱۱۸-۱۲۶.

همایی، رضا؛ کجیاف، محمد باقر؛ سیادت، سید علی. (۱۳۸۵). تاثیر قصه گویی بر سازگاری کودکان. مجله مطالعات روانشناختی. ۵(۲): ۱۳۳-۱۴۹.

والی، آناهیتا. (۱۳۸۶). قصه گویی روشی کوثر در آموزش مفاهیم پیچیده پزشکی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ۷(۱): ۱۵۵ - ۱۶۰.

یحیی محمودی، ندا؛ ناصح، اشکان؛ صالحی، سیروس؛ تیزدست، طاهر. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر قصه گویی بر مشکلات رفتاری برونی سازی شده کودکان. روانشناسی تحولی. ۹ (۳۵): ۲۴۹ - ۲۵۷.

Bandura, A. (1973). *Aggression: mAsocial Learning Analysis*, Englewood cliffs, prentice Hall.

Cook, J. W., Taylor, L., & Silverman, P. (2004). The application of therapeutic storytelling techniques with preadolescent children: A clinical description with illustrative case study. *Cognitive and Behavioral Practice*. 11 (2): 243- 248.

Dwivedi, K. (1997). *The Therapeutic Use of Stories*, London: Routledge.

Green, E. (2011). Home, School, and Playroom: Training grounds for adult gender roles. *Sex Roles*. 26: 129-147.

Gul, A. and Orhan, A. (1992). Learned Helplessness and Explanatory Style in Turkish Samples. *Journal of Social Psychology*, 132(1): 117-119.

- Heffner, M. (2003). Experimental support for the use of storytelling to guide behavior: The effect of storytelling on multiple and mixed ratio (FR)/ differential reinforcement of low rate (DRL) schedule responding. Unpublished Doctoral Dissertation. West Virginia University.
- Perrow, S. (2008). Healing stories for challenging behavior. UK: Hawthorn press.
- Peterson, S., Bull. C., Propst, O. and Dettinger, S. (2005). Narrative Therapy to Prevent Illness-Related Stress Disorder. *Journal of Counseling and Development*. 83(1): 41-49.
- Sarsani, R. M. (2005). Creativity in education. Published by Sarup & Sons.
- Shechtman, Z. (1999). Biblio therapy: An indirect approach to treatment of childhood aggression. *Child Psychiatry and Human Development*. 30: 53-39.
- Shechtman, Z., & Nasaraladin, D. B. (2006). Treating mothers of aggressive children: A research study, international. *Journal of Group Psychotherapy*. 56 (1): 93-112.